



۲۰۲۰/۰۱/۱۰

عارف عباسی

عواقب بروز تشنجات سیاسی و نظامی کنونی امریکا و ایران قابل اندیشه است!



ظواهر مبتنی بر آن است که رهبری امریکا با پایبرون کشیدن از توافقنامه شش کشور مهم جهان با وضع محدودیت ها بر فعالیت های هستوی ایران، به مشوره اسرائیل، بسنده نشده متواتر در صدد زمینه سازی از طریق نمایش نامه های سیاسی است که موقف متزلزل سیاسی اش را تحکیم بخشیده و پشتی بانی هوا خواهان اسرائیل را از یک جانب، بخش تند گرای دینی عیسویان انگلیکا و راست گرایان افراطی تبعیض طلب را بدون درگیری در یک تقابل رویا رویی با ایران حاصل نماید.

تا حال امریکا چندین بار بالای ایران قصوری خوانده و هشدارها و اخطاریه ها صادر نموده که به اصطلاح عوام حکم لاف های «والله گه بانمت باز نشانت می دهم» را داشته.

ایران به بهانه حفاظت از مقابر اهل و بیت حضرت محمد "ص" احساسات اهل تشیع نا آگاه منطقه را تحریک و در واقعیت تخت و بخت بشار الاسد را با تبنای روسیه و شیعیان منطقه «قوت فاطمیون جوانان ماهر هزاره افغان» بر قرار نگهداشته و مخالفین رژیم اسد که اکثریت شان آزادی خواه و اصلاح طلب بودند به اتهام داعش بودن قلع و قمع نمود و توسط بمبارد های سنگین هوایی و استفاده از راکت ها و توپ های دورزن تعداد بی شمار مردم را به قتل رسانده، شهر ها را ویران و بسیاری را بی خانمان و آواره ساخته و امریکا و متحدینش را ماهرانه در جنگ داعش مصروف نگهداشته و خود سیاست خود را در سوریه بدون هیچ گونه مقاومت و مخالفتی موفقانه تطبیق می نماید.

حادثه اخیر قتل قاسم سلیمانی صاحب منصب ارشد قوای پاسداران انقلاب و قوماندان قوای قدس، ستراتیجست ماهر و ورزیده گسترش نفوذ مذهبی، سیاسی، فرهنگی و عندالضرورت نظامی در مأورای سرحدات ایران. که افغانستان شامل بخشی از برنامه ها سلیمانی بوده منازعات و تشنج وخیمی بین مملکتین آفریده که عواقب وخیمی در قبال خواهد داشت.

در بررسی مسائل سیاسی قضاوت بر گزارشات و رویداد های جاری، ظاهر بینی و سطحی نگری تا حدی خلاق مغشوش ساختن ذهنیت ها و به کژ راه رفتن است، ولی شکاکیت ها و سوء ظن گاهی درب گشای واقعیت ها خواهد

بود. احتمال ضعیفی وجود دارد که بین ایران و امریکا، چون پهلوانان سابق افغانستان، سازگی در میان باشد و قاسم سلیمانی قربانی این داد و ستد و معامله باشد. امریکا غرض صیانت منافع اقتصادی و ستراتیجیک ایران و عربستان را رقیب هم دگر ساخته و توسط این رقابت توازن سیاسی را در منطقه نگه میدارد. امریکا در برابر حمله ایران بر منابع نفتی و تصفیه خانه نفت سعودی با ثبوت تمام اسناد و شواهد با متضرر شدن مستهلکین امریکا اقدامی نکرد. ولو که هیچ اقدام نظامی امریکا و یا کشتن شخص معینی در هر کشوری بدون اذن و اراده رئیس جمهور و تصویب پارلمان امریکا صورت نمی گیرد ولی امر کشتن قاسم سلیمانی از کشتن ضیاء الحق، سدام حسین، معمر القذافی و اسامه بن لادن متفاوت و بی سابقه بود، که نمی توان آن را از رده عمل تروریستی، بدون تأثر و اندوه، جدا ساخت.

گرچه برای ایران امکانات انتقام جویی و تقابل رویا رویی با امریکا و متحدش اسرائیل در شرائط کنونی بسیار محدود است، و ایران با روسیه و چین توافقتنامه دفاعی ندارد بلکه صرف تعهد نامه همکاری نظامی موجود است، گمان نمی رود این دو کشور در روز بد پهلوی ایران بایستند.

ولی ایران در ممالک منطقه سر سپردگان افراطی، پیروان و هوا خواهانی دارد که نشود در اوج احساسات با فدا نمودن جان هزارانی تلفاتی به قوای مستقر امریکا در کشوری برسانند. امید واریم رهبران اهل تشیع در افغانستان از خویشتن داری و بی طرفی کار گرفته پای افغانستان را در این ماجرای وخیم نکشانند که به نفع خود شان و حال زار و پریشان افغانستان نیست.

*** **

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند.

عواقب بروز تشنجات کنونی امریکا و ایران قابل اندیشه است!
[A_abassi_tashanojaat_amrica_wa_iran.pdf](#)